عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه

منصور فتحی*

طرح مسأله: *در این پژوهش، عمده‌ترین عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانه، شناسایی و سپس بر آن مبنا، با چشم‌اندازی پیش‌گیرانه، راهکارهای علمی و کاربردی ارائه می‌گردند.*

روش: *پژوهش حاضر، از نوع مورد ـ شاهدی است. جامعهٔ آماری را دو گروه دختران فراری (گروه مورد) و غیرفراری (گروه شاهد) تشکیل می‌دهد. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبهٔ منظم استفاده شد. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از آزمون X2 (کااسکور) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.*

یافته‌ها: *دختران فراری به مراتب بیش‌تر از گروه همگن خود از سوی سرپرست یا اعضای خانواده مورد آزارهای جسمی، روانی و حتی جنسی قرار گرفته‌اند. هم‌چنین گسیختگی‌های خانوادگی نظیر طلاق والدین، اعتیاد، سابقهٔ زندان، اختلاف، مشاجره و درگیری بین اعضای خانوادهٔ دختران فراری بیش‌تر از گروه همگن بوده‌است.*

نتایج: *خشونت علیه دختران و از هم گسیختگی‌های خانوادگی از عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانه است و پیش‌گیری از این آسیب اجتماعی، نیازمند ارتقای آگاهی والدین در خصوص شیوهٔ برخورد مناسب با فرزندان نوجوان، شناسایی و حمایت از خانواده‌های در معرض آسیب است.*

کلید واژه‌ها: خشونت خانوادگی، دختران فراری، کودک‌آزاری

تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۲۹ ***تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۲۵***

* دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی <fathi.mansour@gmail.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

مقدمه

فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، اما پیامدهای سوء آن که در نظم جامعه اختلال و آشفتگی ایجاد می‌کرده و منشاء بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه مانند خود فروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکی، توزیع مواد مخدر، سرقت، جیب‌بری، تشکیل خانه‌های فساد و فریب سایر زنان و دختران می‌گردد، اقتضاء می‌کند تا این معضل را جزء آسیب‌های اجتماعی بسیار جدی به شمار آوریم.

دختران فراری به‌خاطر شرایط خاص خود مورد انواع سوء استفاده و آزار قرار می‌گیرند و در نتیجه، زمینه برای پیدایش و افزایش باندهای جنایتکاری که این دختران را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌دهند فراهم می‌گردد. این پدیده سبب می‌شود که سطح جرم و جنایت در جامعه افزایش یابد و امنیت و سلامت اجتماعی به مخاطره افتد. از طرفی، نوجوانان سرمایه‌های ملی هر جامعه‌ای هستند که در صورت به هدر رفتن این سرمایهٔ عظیم، خسارتی جبران‌ناپذیر بر پیکر جامعه وارد می‌شود. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که فرار دختران از خانه نتیجهٔ روابط ناسالم و یا بسیار خشن در خانه و خانواده بوده و بازده آن نیز دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شود و جامعهٔ بزرگ‌تر را نیز دچار آسیب و اختلال می‌سازد. طی سالیان اخیر، برای پیش‌گیری اولیه و ثانویه از این آسیب و آسیب‌های اجتماعی مشابه، مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ کشور ایجاد و راه‌اندازی شده است.

یکی از اهداف اصلی تأسیس مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی بهزیستی در نیمه دوم سال ۱۳۷۸، ساماندهی دختران فراری قلمداد شده است؛ به‌طوری‌که تا سال ۸۶ تعداد ۵۸۶۴ دختر خانه گریز در این مراکز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. آمارهای ارائه شده از سوی مسئولین نشان می‌دهد که تعداد دختران فراری در سال ۷۸ نسبت به سال ۵۶، ۲۰ برابر افزایش داشته است (صمدی راد، ۱۳۸۱). اخبار تکان‌دهنده‌ای نیز که از وضعیت این دختران و سرگذشت دردناک آن‌ها در جراید کشور درج می‌شود مبین این واقعیت تلخ است که این آسیب اجتماعی به طور نگران‌کننده‌ای، رو به فزونی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

به اعتقاد اکثر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، ریشهٔ اصلی آسیب‌های اجتماعی و از جمله فرار دختران، در خانواده است، زیرا خانواده به عنوان کوچک‌ترین اجتماع بشری ساختاری دارد که عناصر درون آن به شدت به هم وابسته‌اند و اگر در این سیستم مشکلی ایجاد شود کل سیستم را دگرگون خواهد ساخت؛ بنابراین همیشه سازگاری و تفاهم بین اعضاء برای کارکرد بهتر حل سیستمضروری است. از این‌رو، مساله این پژوهش بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران به عنوان یکی از مسائل ضروری جامعه است.

۱) پیشینهٔ مطالعه

به عقیدهٔ ذاندوستروم (Zandostrom) میل به فرار از زیر بار فشارهای خانوادگی و اجتماعی و پناه بردن به محیطی که ارضای نیازهای نوجوانان در آن میسر شود و مورد توجه قرار گیرد همیشه در فکر نوجوان وجود دارد (گودرزی معظمی، ۳۸:۱۳۸۰).

طبق نظر دیوید الکیند (David Elkind) نوجوانان در مقابل بهره‌کشی والدین، به همان شیوه‌ای واکنش نشان می‌دهند که کارگران در مقابل بهره‌کشی در کار. به عنوان مثال ترک مدرسه یا خانه توسط نوجوان همانند ترک کردن کار توسط کارگر است (بیابانگرد، ۱۳۷۷: ۸۹).

قشلاقی (۱۳۷۱) نیز معتقد است فرار نتیجهٔ مخالفت نوجوان با اقتدار و استبداد خانواده و به امید آزاد شدن از فشار و رفتار غیرعادلانه خانواده است. والدینی که بیش از حد مستبد و سختگیر باشند، رشد عاطفی روحی و روانی فرزندشان را متوقف می‌کنند. در هر حال هنگامی که از فرار نوجوانان صحبت می‌شود باید در نظر داشت که این فرار به معنی آن است که نوجوان دیگر حاضر نیست رنج ببرد و در واقع علیه زور و تحمیل بزرگسالان اعتراض می‌کند.

شارون و الینور در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که سخت‌گیری و فشار بیش از حد والدین، مخصوصاً پدر، یکی از عوامل مهم ترک خانواده از سوی فرزندان محسوب می‌شود. در آن شرایط تنها عدهٔ معدودی از فرزندان ارتباط خود را با خانواده حفظ می‌کنند (زواره‌ای، ۱۳۸۰: ۳۴).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

پژوهش‌های متعددی در زمینه مسأله فرار کودکان و نوجوانان در کشورهای غربی به خصوص در ایالات متحده انجام شده است که نشان می‌دهد، سالانه بیش از یک میلیون نوجوانان ۱۳ تا ۱۹ ساله در این کشورها از خانه فرار می‌کنند و این میزان هر سال ۱۵ درصد افزایش می‌یابد. بیش‌تر نوجوانان فراری بین ۱۴تا۱۷ سال سن دارند و ۷۴ درصد آنها دختر و ۲۶ درصد پسر هستند. محققان براساس نتایج این پژوهش‌ها گفته‌اند بسیاری از این نوجوانان در زندگی با خانواده با مسایل و مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که به نظرشان غیرقابل تحمل است. بیش از ۹۰ درصد از نوجوانان به دلیل آزارهای جسمی، جنسی و روانی از خانه فرار می‌کنند و به دلیل ترسی که از آزاردهندگان دارند جرأت نمی‌کنند مشکلات خود را با کسی در میان بگذارند (گودرزی معظمی، ۱۳۸۰: ۴۴).

کورتس و همکاران در سال ۱۹۹۱ در پژوهش خود نشان داده‌اند که میزان بالای سوءاستفاده جسمی، روانی و جنسی با فرار از خانه رابطه دارد. بیش از یک چهارم نوجوانان مورد مطالعه در این پژوهش قبل از فرار، مورد سو استفاده و آزار قرار گرفته بودند (Rotheram-Borus,1996).

کرسپی و ساباثلی بر اساس نظریهٔ فردیت استدلال می‌نمایند که فرار از خانه پاسخی به رفتار محدودکنندهٔ خودمختاری والدین است. این پژوهشگران معتقد هستنند که ترکیب پویایی‌های خانواده و فرایندهای رشدی، تلاش نوجوان برای رسیدن به فردیت و استقلال از طریق فرار از واحد خانواده را تبیین می‌کنند (Crespi & Sebatelli, 1996).

یافته‌های پژوهش اردلان و همکاران در سال ۷۸ نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق دخترانی که از خانه فرار کرده‌اند توسط اعضای خانواده مورد آزار و اذیت‌های جسمی و روانی نظیر کتک زدن، توهین کردن، مراقبت شدید، سرزنش کردن، زندانی کردن، قهر کردن و مسخره کردن قرار گرفته‌اند (اردلان، ۱۸۷:۱۳۸۱).

در پژوهشی که توسط محمدخانی انجام گرفت، یافته‌ها حاکی از آن بودند که ۴۴ درصد از دختران فراری توسط اعضای خانواده مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته‌اند و ۷۳ درصد از دختران فراری اظهار نمودند که خانواده‌هایشان به نیازهای عاطفی آنان کم‌تر توجه می‌کردند. علاوه بر این، بیش از ۶۰ درصد از دختران فراری با خانوادهٔ خود اختلاف

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

و کشمکش داشتند و در حدود ۶۰ درصد از دختران فراری اظهار نمودند که یکی از اعضای خانواده آنان اعتیاد دارد (محمدخانی، ۱۵۴:۱۳۸۶).

بر اساس یافته‌های افسانه حیات روشنایی در سال ۱۳۸۱، در حدود ۸۰ درصد از دختران فراری به خانواده‌های نابسامان تعلق داشته و عواملی مانند طلاق، اعتیاد، به زندان رفتن و مرگ والدین در فرار دختران نقش داشته است. در ارتباط با رفتار والدین نیز تقریبا در تمام موارد دختران، سخت‌گیری، تنبیه‌های سخت و در ۵۸ درصد سو استفاده جسمی و جنسی را به عنوان یکی از علل اصلی فرار ذکر کرده‌اند. (حیات روشنایی، ۱۳۸۱)

۲) چارچوب نظری

از آن‌جا که فرار دختران از خانه یک معلول چند علتی است و هر یک از تئوری‌های مطرح شده از جنبه‌ای خاص آن را تبیین می‌کند، لذا در این پژوهش تلفیقی از تئوری‌های زیر به عنوان مدل انتخابی تحقیق استفاده گردیده است.

۱-۲) تئوری نوین کنترل هیرشی

هرچه همبستگی بین اعضاء یک جامعه بیشتر باشد، افراد تمایل بالاتری به تبعیت از مقررات آن دارند و کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند و تعلق میان فرد و جامعه ضعیف باشد و یا گسسته شود و هرچه افراد کم‌تر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوند آن‌ها با جامعه سست‌تر است و احتمال کج‌رفتاری بیش‌تر خواهد بود. در واقع به علت وابستگی به دیگران این احساس در فرد به وجود می‌آید که به انتظارات و خواسته‌های دیگران پاسخ دهد. بیش‌تر افراد سعی می‌کنند که آسیبی به خانواده و خویشاوندان خود وارد نسازند، یعنی رفتار آن‌ها باعث ناراحتی و شرمندگی اقوامشان نشود. هم‌چنین هیرشی معتقد به ارتباط بین خود کنترلی ضعیف و کج‌رفتاری است و منشا آن را در خانواده، دوران کودکی و جامعه‌پذیری ناکارآمد می‌داند. وی در مورد فروپاشی خانواده و پدیدهٔ طلاق تحقیق کرده و آن را متغیر مهمی در بزهکاری نوجوانان می‌داند

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

(صدیق سروستانی، ۴۸:۱۳۸۵).

۲-۲) تئوری ارتباطات ساترلند

ساترلند بزهکاری را ناشی از خطای خانواده‌ها دانسته است که قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارها نبوده‌اند. به نظر وی نگرانی‌ها و نیازهای ارضا نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها روش‌های یاد گرفته شده واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است. خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیهٔ نوجوانان بر بزهکاری موثر است و معمولاً شرایط زیر در خانواده موجب ارتکاب بزه فرزندان آنان می‌شود:

الف) بزهکاری سایر افراد خانواده یا فساد اخلاقی و الکلی بودن آن‌ها؛

ب) فقدان والدین در اثر فوت یا طلاق یا ترک یکدیگر؛

ج) ناسازگاری موجود در منزل نظیر تحکم به وسیلهٔ یکی از اعضاء خانواده، سختگیری بیش از حد معمول؛

د) فشارهای اقتصادی نظیر بیکاری و درآمد غیرکافی (احمدی، ۱۳۱:۱۳۸۴).

۲-۳) تئوری سالیوان

از نظر سالیوان تعارضات شدید خانوادگی، بدرفتاری یا یک نظام خشک و شدید در خانه منجر به فرار کودکان از خانه می‌شود.

۲-۴) نظریه واکنش به رویدادهای آزاردهنده برکویتز

رویارویی با وقایع آزاردهنده منجر به گرایش فرد به پرخاش‌گری و فرار می‌شود.

۳) روش مطالعه

۳-۱) نوع مطالعه و روش اجرا

مطالعهٔ حاضر از نوع پژوهش‌های مورد ـ شاهدی است. این پژوهش در پی شناسایی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

متغیرهای مستقل اثرگذار بر پدیدهٔ فرار دختران از خانه می‌باشد. در این پژوهش قبل از گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامهٔ مصاحبهٔ اولیه جهت کسب نظرات و داوری‌های تخصصی در اختیار چهار تن از اساتید رشته‌های مددکاری اجتماعی و جامعه شناسی قرار داده شد که پس از اعمال نظرات ارائه شده، روایی[1] آن مورد تایید آن‌ها قرار گرفت و بدین وسیله، روایی صوری پرسش‌نامه مصاحبه به دست آمد. برای سنجش میزان پایایی[2] آن، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی اولیهٔ آن برای تمام متغیرهای مورد بررسی بیش از ۰/۸۰ بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبهٔ منظم استفاده گردید. پژوهش‌گر به همراه دو نفر از کارشناسان ارشد مددکاری اجتماعی به افراد مورد مطالعه مراجعه و پس از برقراری ارتباط با دختران و جلب رضایت آنان برای شرکت در پژوهش، از طریق مصاحبهٔ انفرادی، پرسش‌نامه‌های مربوط را تکمیل نمودند.

۲-۳) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل دختران فراری زیر ۱۸ سالی است که به دلایل متعددی از خانه فرار کرده‌اند. نمونهٔ آماری این پژوهش ۱۰۰ دختر زیر ۱۸ سال بود که ۵۰ نفر از آنان دختران فراری و ۵۰ نفر دیگر دختران غیرفراری بودند که از بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران انتخاب و از نظر سن و وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی با هم همتاسازی شده‌اند. نمونهٔ دختران فراری با استفاده از نمونهٔ در دسترس از بین دختران فراری ساکن مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی شهر تهران و نمونهٔ دختران گروه شاهد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از مناطق ۱۶،۱۹ و ۲۰ تهران انتخاب شدند. با توجه به این‌که اکثر دختران فراری معمولاً از طبقات اقتصادی ـ اجتماعی پایین می‌باشند، به منظور همتاسازی دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی، گروه شاهد از مناطق جنوب تهران انتخاب شد.

1. Validity
2. Reliability

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

۳-۳) تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از خی دو و ضریب کرامر و برای توصیف جامعهٔ مورد مطالعه از آمارهای توصیفی استفاده گردید و نیز از نرم‌افزار SPSS نوع ۱۱ جهت تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد.

۴-۳) تعریف مفاهیم و متغیرها

۱-۴-۳) دختران فراری (متغیر وابسته)

فرار، به معنای ترک ارادی خانه یا محیط نظارت شده می‌باشد که معمولاً به منظور دوری یا اجتناب از بعضی عوامل، یا برای یافتن و به دست آوردن برخی چیزهای دیگر صورت می‌پذیرد (زواره‌ای، ۱۳۸۰: ۲۲). در این پژوهش، منظور از دختران فراری، دختران خانه گریز زیر ۱۸ سالی بوده‌اند که قبل از ترک منزل با اعضاء خانوادهٔ خود زندگی می‌کردند، اما بنا به دلایل خانوادگی، اجتماعی و ... خانه را به قصد عدم بازگشت ترک نموده‌اند و در زمان جمع‌آوری اطلاعات در یکی از مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی در شهر تهران نگهداری می‌شدند.

۲-۴-۳) آزار دختران

آزار به اعمال فشار و یا رفتارهایی گفته می‌شود که موجب آسیب یا تهدید سلامت جسم و یا رفاه و بهزیستی فرد می‌گردد (آقا بیگلویی و دیگران، ۱۴:۱۳۸۰). این تحقیق مشخصاً بر آزار و تهدید دختران از سوی والدین و یا سایر افراد درون خانواده متمرکز است.

جهت تبیین شاخص‌های به‌کار برده شده در تحقیق حاضر به موارد چهارگانهٔ آزار دختران می‌پردازیم:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

الف) آزار جسمی[1]

آزار جسمی دختران با شاخص‌های تنبیه توسط سرپرست، کتک خوردن برای هر خطایی در منزل، کتک خوردن به خاطر دیر آمدن به منزل، تنبیه به خاطر کسب نمرهٔ پایین در درس و شکستگی و بریدگی اعضاء بدن در نتیجهٔ کتک خوردن مورد سنجش قرار گرفته است.

ب) آزار عاطفی[2]

آزار روانی و عاطفی دختران با شاخص‌های مسخره کردن، تهدید به اخراج از خانه، ناسزا گفتن، تبعیض قائل شدن، توجه زیاد سرپرست به بقیه بچه‌ها و ایراد گرفتن به طرز پوشش مورد سنجش قرار گرفته است.

ج) آزار ناشی از غفلت و مسامحه[3]

آزار ناشی از غفلت و مسامحه دختران به وسیلهٔ شاخص‌های بی‌توجهی سرپرست به خواسته‌های آن‌ها، احساس تنهایی و طرد شدن، و بی‌توجهی اعضای خانواده به خواسته‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

د) آزار جنسی[4]

در این پژوهش آزار و سواستفاده جنسی از دختران با یک شاخص مورد سنجش قرار می‌گیرد.

1. Phychical Abuse
2. Emotional Abuse
3. Neglect
4. Sexual Abuse

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

۳-۴-۳) سابقهٔ اعتیاد

اعتیاد میل شدید یا حرص در مصرف موادی است که ایجاد وابستگی می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۱۵۲) و معتاد کسی است که در اثر مصرف مکرر و مداوم، متکی به مواد مخدر باشد (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۹۲).

در این تحقیق منظور از اعتیاد، استفادهٔ منظم مواد مخدر نظیر تریاک، مرفین، هروئین و غیره از سوی یکی از اعضاء خانواده می‌باشد که با یک شاخص مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴-۴-۳) سابقهٔ زندان

زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذی‌صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴:۱۰).

در این پژوهش سابقهٔ زندان داشتن یکی از اعضاء خانواده تنها با یک شاخص مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۵-۴-۳) طلاق والدین

شیوه‌ای نهادی شده در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است که رسمیت دارد، توسط مقامات دولتی کنترل می‌شود، امکان ازدواج مجدد را فراهم می‌سازد و پیش‌بینی‌های لازم نظیر حضانت فرزندان در آن صورت پذیر است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴).

در این تحقیق، منظور، جدایی رسمی و قانونی والدین می‌باشد که با یک شاخص مورد سنجش قرار گرفته است.

۶-۴-۳) مشاجره و درگیری بین اعضای خانواده

عبارت است از تجاوز فیزیکی که توسط یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۳۸).

در این پژوهش مشاجره و درگیری بین اعضای خانواده با شاخص‌های، کتک خوردن اعضای خانواده، دعوا و مشاجرهٔ بین والدین و درگیری و اختلاف بین اعضای خانواده مورد سنجش قرار گرفته است.

۵-۳) فرضیه‌های پژوهش

الف) بین میزان آزار و اذیت جسمی نسبت به دختران فراری و غیرفراری توسط اعضای خانواده تفاوت وجود دارد.

ب) بین میزان آزار روانی نسبت به دختران فراری و غیرفراری توسط اعضای خانواده تفاوت وجود دارد.

ج) بین میزان مسامحه و بی‌توجهی نسبت به نیازهای دختران فراری و غیرفراری توسط اعضای خانواده تفاوت وجود دارد.

د) بین میزان آزار جنسی نسبت به دختران فراری و غیرفراری توسط اعضای خانوادهٔ تفاوت وجود دارد.

هـ) بین میزان مشاجره و درگیری بین اعضای خانوادهٔ دختران فراری و غیرفراری تفاوت وجود دارد.

و) بین میزان سابقهٔ زندانی شدن اعضای خانوادهٔ دختران فراری و غیرفراری تفاوت وجود دارد.

ز) بین میزان اعتیاد یکی از اعضای خانوادهٔ دختران فراری و غیرفراری تفاوت وجود دارد.

ح) بین میزان طلاق والدین دختران فراری و غیرفراری تفاوت وجود دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

۴) یافته‌ها

۴-۱) مشخصات جمعیت مطالعه

از کل دختران فراری مورد مطالعه ۲۴ درصد با هردو والد، ۴۴ درصد با یکی از والدین و ۳۲ درصد با افرادی غیر از والدین خود زندگی می‌کردند، در حالی که ۹۲ درصد از دختران غیرفراری با هر دو والد خود زندگی می‌نموده‌اند.

یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از دختران فراری قبل از ترک خانه، ساکن تهران بوده و۳۴ درصد از آن‌ها ترک تحصیل کرده بودند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی نیز، سابقهٔ ترک منزل داشتند.

حدود ۳۵ درصد از این افراد قبل از ترک خانه، سابقهٔ سوء مصرف مواد داشتند، در حالی که تنها ۵ درصد از دختران غیرفراری به چنین وضعیتی اشاره نمودند. ۴۴ درصد از دختران فراری دوست خانه گریز داشته‌اند، که در مقابل تنها ۸ درصد از دختران غیرفراری چنین وضعیتی را گزارش کردند.

۴-۲) انواع آزار

با توجه به داده‌های جدول شمارهٔ ۱، از کل دختران فراری، ۱۵/۶ درصد اکثر اوقات و ۵۱/۱ درصد گاهی اوقات مورد آزار و اذیت جسمی سرپرست و اعضاء خانواده قرار می‌گرفته‌اند. در مقابل، تنها ۱۰ درصد از دختران غیرفراری اظهار نمودند که گاهی اوقات مورد آزار جسمی اعضاء خانواده خود قرار گرفته‌اند. بنابراین با توجه به ضریب کرامر (V = ۰/۵۳۹) شدت توافق بالایی بین دو متغیر مشاهده می‌شود. هم‌چنین براساس آزمون X^2 (کااسکور) با خطای کم‌تر از یک درصد، فرضیهٔ «الف» تأیید می‌شود. بدین معنا که دختران فراری به مراتب بیش از دختران غیرفراری مورد آزار و اذیت جسمی قرار می‌گرفتند.

هم‌چنین با توجه به اطلاعات به دست آمده، ۱۴/۹ درصد از دختران فراری اکثر اوقات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

و ۴۸/۹ درصد آن‌ها گاهی اوقات توسط اعضای خانوادهٔ خود مورد آزارهای روحی و عاطفی قرار می‌گرفته‌اند. در مقابل تنها ۱۶ درصد از دختران غیرفراری شرایطی مشابه را تجربه کرده‌اند. براساس آزمون X^2 (کااسکور) با ۹۹ درصد ضریب اطمینان، فرضیهٔ «ب» تأیید می‌شود. هم‌چنین با توجه به ضریب کرامر (V = ۰/۵۰۵) شدت توافق بالایی بین دو متغیر وجود دارد. بنابراین می‌توان پذیرفت که بین دختران فراری و غیرفراری از نظر میزان آزار و اذیت روحی و عاطفی آن‌ها توسط اعضاء خانواده تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول شمارهٔ ۲، ۴۵/۸ درصد از دختران فراری اکثر اوقات در محیط خانه با مسأله بی‌توجهی به نیازهای اساسی مواجه بوده‌اند، در مقابل تنها ۸ درصد از دختران غیرفراری به چنین حالتی اشاره کردند. با توجه به ضریب کرامر (V = ۰/۵۶۰) شدت توافق بالایی بین دو متغیر وجود دارد و هم‌چنین براساس آزمون X^2 (کااسکور) با خطای کمتر از یک درصد، فرضیهٔ «ج» تأیید می‌شود. بدین معنا که به نیازهای اساسی دختران فراری به مراتب بیش‌تر از دختران غیر فراری در محیط خانه بی‌توجهی شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان خشونت علیه آن‌ها توسط اعضای خانواده

شاخص	میزان خشونت / افرادموردمطالعه	به‌ندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	جمع	آماره‌ها
میزان آزار جسمی	دختران فراری	۱۵ ٪۳۳/۴	۲۳ ٪ ۵۱	۷ ٪۱۵/۶	۴۵ ٪۱۰۰	X2= ۳۳/۴۰۱ DF=۲ Sig=۰/۰۰۰ V=۰/۵۹۳
	دختران غیرفراری	۴۵ ٪۹۰	۵ ٪۱۰	– –	۵۰ ٪۱۰۰	
	جمع	۶۰	۲۸	۷	۹۵ ٪۱۰۰	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

ادامهٔ جدول ۱

میزان آزار روانی	دختران فراری	۱۷ ٪۳۶/۲	۲۳ ٪۴۸/۹	۷ ٪۱۴/۹	۴۷ ٪۱۰۰	X2= ۲۴/۷۸۲ DF=۲ Sig=۰/۰۰۰ V=۰/۵۰۵
	دختران غیرفراری	۴۲ ٪۸۴	۸ ٪۱۶	– –	۵۰ ٪۱۰۰	
	جمع	۵۹	۳۱	۷	۹۷ ٪۱۰۰	
میزان بی‌توجهی	دختران فراری	۴ ٪۸/۴	۲۲ ٪۴۵/۸	۲۲ ٪۴۵/۸	۴۸ ٪۱۰۰	X2= ۳۱/۳۵۷ DF=۲ Sig=۰/۰۰۰ V=۰/۵۶۰
	دختران غیرفراری	۳۴ ٪۶۸	۱۲ ٪۲۴	۴ ٪۸	۵۰ ٪۱۰۰	
	جمع	۳۸	۳۴	۲۶	۹۸ ٪۱۰۰	

از کل دختران فراری، ۱۲ درصد ابراز نمودند که از سوی اعضای خانواده و بستگان خود مورد سوء استفاده و آزار جنسی قرار گرفته‌اند؛ در حالی‌که هیچ کدام از دختران غیرفراری به چنین مسأله‌ای اشاره نکردند. با توجه به ضریب کرامر (X = ۰/۲۶۴) شدت توافق معناداری مشاهده می‌شود و براساس آزمون $X^{۲}$ (کااسکور) با ۹۹ درصد اطمینان، فرضیهٔ «د» مورد تأیید واقع می‌شود، بدین معنا که تنها دختران فراری از سوی اعضای خانواده و بستگان خود مورد سواستفاده جنسی قرار می‌گرفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

جدول ۲: توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب آزار جنسی توسط اعضای خانواده

آزار جنسی / افراد مورد مطالعه	بلی	خیر	جمع
دختران فراری	۶ ٪۱۲	۴۴ ٪۸۸	۵۰ ٪۱۰۰
دختران غیرفراری	— —	۵۰ ٪۱۰۰	۵۰ ٪۱۰۰
جمع	۶	۹۴	۱۰۰ ٪۱۰۰

X^2 =۶/۸۰۶ Df =۱ Sig = ۰/۰۰۹ V = ۰/۲۶۴

۳-۴) درگیری و مشاجره بین اعضاء خانواده

داده‌های جدول شمارهٔ ۳ بیان‌گر آن است که ۳۲/۷ درصد از دختران فراری اکثر اوقات شاهد درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده بوده‌اند، در حالی‌که تنها ۶ درصد از دختران غیرفراری به چنین وضعیتی اشاره کردند. هم‌چنین ۵۵/۱ درصد از دختران فراری گاهی اوقات شاهد مشاجره و درگیری در خانواده بودند، در حالی‌که ۳۸ درصد از دختران غیرفراری، گاهی اوقات شاهد درگیری اعضای خانواده بودند. با توجه به ضریب کرامر (X = ۰/۴۹۸) شدت توافق بالایی بین دو متغیر مشاهده می‌شود و هم‌چنین براساس آزمون X^2 (کااسکور) با ۹۹ درصد اطمینان، فرضیهٔ «هـ» تأیید می‌شود؛ به عبارتی میزان اختلاف، مشاجره و درگیری بین اعضای خانوادهٔ دختران فراری به مراتب بیش‌تر از دختران غیرفراری است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

جدول ۳: توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان مشاجره و درگیری بین اعضای خانواده

میزان مشاجره و درگیری / افراد مورد مطالعه	به ندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	جمع
دختران فراری	۶ ٪۱۲/۲	۲۷ ٪۵۵/۱	۱۶ ٪۳۲/۷	۴۹ ٪۱۰۰
دختران غیرفراری	۲۸ ٪۵۶	۱۹ ٪۳۸	۳ ٪۶	۵۰ ٪۱۰۰
جمع	۳۴	۴۶	۱۹	۹۹ ٪۱۰۰

$X^۲$ = ۲۴/۵۱۴ Df = ۲ Sig = ۰/۰۰۰ V = ۰/۴۹۸

۴-۴) سابقهٔ زندان، اعتیاد و طلاق در خانواده

داده‌های گردآوری شده، حاکی از آن است که ۲۲ درصد از اعضای خانوادهٔ دختران فراری به‌دلیل ارتکاب جرایم مختلف سابقهٔ زندانی شدن داشته‌اند، در حالی‌که تنها ۴ درصد از دختران غیرفراری دارای خانواده‌ای با چنین ویژگی بوده‌اند. با توجه به ضریب کرامر (V =۰/۴۱۶) شدت توافق بالایی مابین دو متغیر مشاهده می‌شود و نیز براساس آزمون $X^۲$ (کااسکور) با ۹۹ درصد ضریب اطمینان، می‌توان پذیرفت که بین دختران فراری و غیرفراری از نظر وجود سابقهٔ زندانی شدن بین اعضای خانواده تفاوت وجود دارد و فرضیهٔ «و» مورد تایید قرار می‌گردد.

حدود ۳۰ درصد از اعضای خانوادهٔ دختران فراری معتاد به مواد مخدر بودند؛ در مقابل، تنها ۸/۲ درصد دختران غیرفراری دارای عضوی معتاد در خانواده بودند. با توجه به ضریب کرامر (V = ۰/۲۵۳) شدت توافق بالایی بین دو متغیر مشاهده می‌شود و هم‌چنین براساس آزمون $X^۲$ (کااسکور) با ۹۸ درصد اطمینان، فرضیهٔ «ز» تأیید می‌شود؛ بدین معنا که میزان اعتیاد در بین اعضای خانوادهٔ دختران فراری به مراتب بیش‌تر از دختران غیرفراری است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

هم‌چنین والدین ۴۰ درصد از دختران فراری از هم طلاق گرفته‌اند و در مقابل، تنها ۲ درصد از دختران غیرفراری بیان کردند که والدینشان از هم جدا شده‌اند. با توجه به ضریب کرامر (V = ۰/۶۴۲) شدت توافق بالایی بین دو متغیر مشاهده می‌شود و همچنین براساس آزمون X^2 (کااسکور) با ضریب اطمینان ۹۹ درصد، فرضیهٔ «ح» تأیید می‌شود و وجود تفاوت بین دو گروه از نظر طلاق والدین به اثبات می‌رسد.

جدول ۴: توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه برحسب میزان اعتیاد، طلاق و سابقه زندانی شدن اعضای خانواده

شاخص / پاسخ	افراد مورد مطالعه	بلی	خیر	جمع	آماره‌ها
سابقهٔ زندان	دختران فراری	۱۱ ٪۲۲	۳۹ ٪۷۸	۵۰ ٪۱۰۰	X2= ۱۷/۳۴۴ DF=۱ Sig=۰/۰۰۰ V=۰/۴۱۶
	دختران غیرفراری	۲ ٪۴	۴۸ ٪۹۶	۵۰ ٪۱۰۰	
	جمع	۱۳	۷۷	۱۰۰ ٪۱۰۰	
اعتیاد	دختران فراری	۱۴ ٪۲۸/۶	۳۵ ٪۷۱/۴	۴۹ ٪۱۰۰	X2= ۶/۳۸۳ DF=۱ Sig=۰/۰۱۲ V=۰/۲۵۳
	دختران غیرفراری	۴ ٪۸/۲	۴۵ ٪۹۱/۸	۴۹ ٪۱۰۰	
	جمع	۱۸	۸۰	۹۸ ٪۱۰۰	
طلاق والدین	دختران فراری	۲۰ ٪۴۰	۳۰ ٪۶۰	۵۰ ٪۱۰۰	X2= ۴۸/۳۲۱ DF=۱ Sig=۰/۰۰۰ V=۰/۶۴۲
	دختران غیرفراری	۱ ٪۲	۴۹ ٪۹۸	۵۰ ٪۱۰۰	
	جمع	۲۱	۷۹	۱۰۰ ٪۱۰۰	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

۵) بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، دختران فراری به صورت معناداری (با ۹۹ درصد اطمینان) بیش از دختران غیرفراری خشونت‌های جسمی، روانی وجنسی را از طرف اعضای خانواده تجربه کرده بودند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کورتس و همکاران (۱۹۹۱)، محمدخانی (۱۳۸۵)، اردلان و همکاران (۱۳۷۸)، همخوانی دارد. برمبنای این پژوهش‌ها، اکثر قریب به اتفاق دخترانی که از خانه فرار کرده‌اند، توسط اعضای خانواده مورد آزار و اذیت‌های جسمی، روانی و جنسی قرار گرفته‌اند، بنابراین خشونت علیه دختران نقش به سزایی در فرار آن‌ها از خانه ایفا می‌نماید. هم‌چنین نتایج این پژوهش با تئوری‌های سالیوان و برکویتز همسو است. بر مبنای این تئوری‌ها، رفتار خشونت‌آمیز در خانواده پیامدهای نامناسبی برای کودکان و نوجوانان خواهد داشت. به دیگر سخن، ریشهٔ اصلی انحراف و بزهکاری نوجوانان و از جمله فرار از خانه را باید در سخت‌گیری‌های بی‌جا، غیرمنطقی، و خشونت بزرگسالان جستجو کرد.

بنابر یافته‌های تحقیق حاضر، حدود ۹۰ درصد از دختران فراری شاهد مشاجره و درگیری بین اعضای خانواده بوده‌اند، در حالی‌که ۴۴ درصد از دختران غیرفراری به چنین وضعیتی اشاره نموده‌اند که این نتایج با تئوری هیرشی و سالیوان همخوانی دارد. به اعتقاد هیرشی هرچه پیوند و تعلق بین افراد وجامعه و به‌خصوص اعضای خانواده ضعیف باشد، احتمال کج‌روی افراد بیش‌تر خواهد بود. درواقع احساسات فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، موجب می‌شود نسبت به آن‌چه دربارهٔ رفتارش می‌اندیشند، مراقب و حساس باشد. بنابراین کنترل کج‌رفتاری از جمله فرار از خانه با تعلقات نوجوانان وجوانان نسبت به والدین واعضای خانواده خود پیوند می‌خورد. به اعتقاد کارشناسانی نظیر سالیوان، تشنج در محیط خانوادگی منجر به ایجاد تشویش، فشار روانی و احساس ناامنی شده، در ذهن کودکان و نوجوانان، خانه را به مکانی ناامن و خطرناک مبدل می‌سازد و منجر به فرار آن‌ها از خانه می‌شود. مشکل اکثر خانواده‌های دختران فراری وجود نوعی طلاق روانی است که از نظر روانی و عاطفی افراد خانواده را از یک‌دیگر جدا می‌سازد. در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

چنین ساختارهای خانوادگی روابط سرد و خشک افراد خانواده همراه با تهدید، توبیخ و اهانت است و دختران در چنین فضایی احساس تنهایی و عدم تعلق به خانواده را دارند.

براساس نتایج تحقیق، ۲۲ درصد از اعضای خانوادهٔ دختران فراری، به‌دلیل ارتکاب جرایم مختلف سابقهٔ زندانی شدن داشته‌اند؛ در حالی‌که تنها ۴ درصد از دختران غیرفراری دارای خانواده‌ای با چنین ویژگی بوده‌اند. با توجه به تئوری ساترلند، فرزندان، نگرش‌های خود را از سایر اعضای خانواده می‌آموزند و چنان‌چه یکی از اعضای خانواده مجرم شناخته شود بچه‌ها بیش از هر کس دیگر در معرض خطرات مشابه قرار خواهند گرفت.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه حاکی از ارتباط بین طلاق والدین با فرار دختران از خانه است. از آن‌جا که والدین ۴۰ درصد از دختران فراری از هم طلاق گرفته‌اند و تنها ۲ درصد از دختران غیرفراری چنین وضعیتی داشته‌اند، این بررسی با نتایج پژوهش حیات روشنایی و تئوری‌های ساترلند و هیرشی که طلاق وجدایی والدین را زمینه‌ساز بزهکاری و از جمله فرار کودکان می‌دانند منطبق است.

یافته‌های این پژوهش در خصوص رابطهٔ اعتیاد اعضای خانواده با فرار دختران، حاکی از تفاوت معنادار میان دختران فراری و غیرفراری است. در حالی‌که ۳۰ درصد از اعضای خانوادهٔ دختران فراری معتاد به مواد مخدر بوده‌اند، تنها ۸/۲ درصد از اعضای خانوادهٔ دختران غیرفراری اعتیاد داشته‌اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های محمدخانی و حیات روشنایی که اعتیاد را به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر فرار دختران گزارش کردند، همخوانی دارد. بررسی‌های آسیب‌شناسانی نظیر ساترلند نشان می‌دهد اعتیاد عامل مؤثری در از هم پاشیدگی و انحطاط خانواده است و والدین را نسبت به وظیفهٔ خود در امر تربیت فرزندان بی‌تفاوت و بی‌توجه می‌کند. از سوی دیگر اعتیاد زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد و انحرافات اخلاقی است؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که این عامل نیز در ایجاد زمینه‌های منفی برای خانه گریزی نقشی به سزا ایفا نماید.

در یک جمع‌بندی نهایی، تحقیق حاضر نشان داد، دختران فراری به مراتب بیش‌تر از گروه همتاسازی شده از سوی والدین یا سایر اعضای خانواده مورد خشونت‌های جسمی،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

روانی و جنسی قرار گرفته‌اند و همچنین گسیختگی خانوادگی نظیر طلاق والدین، اعتیاد، سابقهٔ زندانی شدن، اختلاف، مشاجره و درگیری در بین اعضاء خانواده دختران فراری بیش‌تر از گروه غیرفراری بوده است. در واقع دختران به دلایل واهی فرار نکرده‌اند، بلکه فرار آن‌ها فریاد کمک‌خواهی و رهایی از شرایط نامطلوب خانواده بوده است.

۶) پیشنهادات

الف) به والدین از طریق رسانه‌های گروهی، سمینارها و سایر روش‌های اطلاع‌رسانی در خصوص چگونگی رفتار با فرزندان نوجوان و ایفای نقش یک والد خوب آموزش‌های لازم داده شود.

ب) مطالب علمی ساده و مناسب برای نوجوانان و خانواده‌ها در خصوص شناخت دوران حساس و با اهمیت نوجوانی و بلوغ تهیه و توزیع گردد.

ج) عواقب و پی‌آمدهای ناگوار فرار به‌صورت علمی برای نوجوانان در مدارس و همچنین از طریق رسانه‌های عمومی توسط متخصصین تشریح گردد.

د) نقش نهاد اولیاء و مربیان در آموزش و پرورش در کمک به برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه و آموزش خانواده‌ها، با کم‌ترین هزینه، بسیار مهم است؛ لذا فعالیت‌های این بخش باید علمی، عملی و گسترده‌تر شده و از وجود مددکاران و مشاوران با تجربه و کار آزموده بهره گرفته شود.

هـ) از آن‌جا که یکی از علل اصلی فرار، آزار و اذیت دختران توسط اعضاء خانواده می‌باشد، اولاً آموزش و آگاهی‌های لازم به والدین در خصوص شیوهٔ برخورد مناسب با فرزندان نوجوان و ضرورت توجه به خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها داده شود. ثانیاً در جهت برداشتن موانع قانونی که به موجب آن اولیاء از مجازات کودک آزاری معاف هستند اقدام گردد. ثالثاً به مددکاران اجتماعی به‌صورت قانونی اجازه داده شود که در مواقع لازم در خصوص حمایت از کودکان و نوجوانان آزار دیده مداخله و اقدامات لازم را انجام دهند.

و) از آن‌جایی‌که حدود نیمی از دختران فراری بچه‌های طلاق هستند، وجود مددکاران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

اجتماعی در دادگاه‌های خانواده و ادارهٔ سرپرستی جهت نظارت بر وضعیت کودکان و نوجوانان بعد از طلاق و بررسی صلاحیت سرپرست آن ها ضروری است.

ز) ایجاد خطوط تلفنی[1] جهت مشاوره با دختران در معرض آسیب و آگاهی دادن به آنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که در صورت بروز مشکل با این خطوط تماس بگیرند و راهنمایی‌های لازم را دریافت نمایند و هم‌چنین در کنار این خطوط، یک تیم مددکاری مجرب و حرفه‌ای تشکیل گردد تا در مواقع لازم بتوانند اقدامات حمایتی لازم را انجام دهند.

ح) کمک و فعالیت بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی (NGO ها) در این خصوص لازم و ضروری است، لذا باید تمهیداتی در نظر گرفته شود تا بخش خصوصی با نظارت متخصصان در این زمینه فعال گردد.

باتوجه به این‌که متغیرهای پژوهش حاضر از طریق خودگزارش‌گری[2] مورد بررسی قرار گرفته و این روش علی رغم داشتن مزایای زیاد، دارای محدودیت‌ها و کاستی‌هایی از جمله تمایل به مخفی نمودن و کتمان و یا اغراق در گزارش حقایق است، بنابراین در استناد به یافته‌های پژوهش باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

1. Hot line, Help line
2. Self-Reporting

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]

References

منابع

- آقابیگلویی، عباس؛ رسول‌زاده طباطبایی؛ کاظم و موسوی چلک، حسن. (۱۳۸۰)، **کودک‌آزاری**، تهران، انتشارات آوند دانش.
- اردلان، علی. هلاکوی نائینی، کوروش. محسنی تبریزی، علیرضا. جزایری، علیرضا. (۱۳۸۱)، «ارتباط جنسی برای بقاء پیامد فرار دختران از منزل»، فصلنامهٔ **رفاه اجتماعی**، سال دوم، شماره ۵.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی انحرافات**، چاپ اول، انتشارات سمت.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۷)، **روانشناسی نوجوانان**، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زواره‌ای، فاطمه. (۱۳۸۰)، **بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر فرار دختران از خانه**، رسالهٔ کارشناسی ارشد مددکاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، **جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۶)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، تهران، نشر آوای نور.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۸۵)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- صمدی راد، انور. (۱۳۸۱)، **خلاصه مقالات فرار دختران از خانه**، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران.
- قشلاقی، محمد. (۱۳۷۱)، **روانشناسی رشد در دورهٔ نوجوانی**، چاپ اول، اصفهان، انتشارات مولانا.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۷۴)، **مبانی جرم‌شناسی**، انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی** (ترجمهٔ منوچهر محسنی)، تهران، نشر نی.
- گودرزی معظمی، بهمن. (۱۳۸۰)، **بررسی میزان مشکلات خانوادگی دختران فراری**، رسالهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۶)، «عوامل روانی اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه»، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، سال ششم، شمارهٔ ۲۵.

- Crespi & Sabatelli, R.M. (1993), "Adolescent & Family Strife : A Conflict – Induced Differentiation Framework", **Adolescence**, 280.
- Rotheram, Borus; Mahler, M.J. Koopman, K.A. Langabeer, K. (1996), "Sexual Abuse History & Associated Multiple Risk Behavior in Adolescent Runaway". **Amerivan Journal of Orthopsychiatry**,660.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-10-12]